

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره بیستم، پائیز ۱۳۹۲

ص ۵۳-۳۹

عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان

علی محمدپورا^۱

دکتر نعمت‌الله تقوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۴/۱۳

چکیده

ازدواج و تأخیر آن امری اجتماعی است. شکل‌گیری و تغییرپذیری آن در نزد افراد، در فرایند تعامل خود با جامعه و تحت تأثیر سطوح مختلف کلان، میانی و خرد بوده است. تئوری‌های مطرح در این خصوص عبارتند از: تئوری بی‌سامانی اجتماعی مرتن، تئوری کارکردگرایی دورکیم، تئوری مدرنیته گیدنز، تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود و تئوری گزینش معقولانه هکتر.

این تحقیق به روش پیمایشی در بین جوانان ۲۰-۴۰ ساله شهر تبریز انجام شده است. تعداد آن‌ها برابر ۸۲۳۴۵۰ نفر بود که با استفاده از نمونه‌گیری کوکران، ۲۸۰ نفر از آنان برای مطالعه انتخاب و براساس نمونه‌گیری سهمی گزینش شده‌اند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر آن است که میان متغیرهایی چون سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها، سطح انتظارات جوانان، بی‌اعتمادی اجتماعی افراد، لذت بردن از دوران مجرد، تحصیلات و جنسیت پاسخگویان، با بالا رفتن سن ازدواج ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نهایت، نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که پنج متغیر مستقل تحصیلات، سطح انتظارات، بی‌اعتمادی اجتماعی، سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها و لذت بردن از دوران مجرد می‌توانند ۵۱/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین نمایند.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، بی‌اعتمادی اجتماعی، هزینه فرصت، سطح انتظارات، نظرات خانواده، لذت بردن از دوران مجرد و تحصیلات.

۱. کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - ایران. E-mail: alikalale1133@yahoo.com

۲. استادیار بازنشسته دانشگاه تبریز - ایران (نویسنده مسئول). E-mail: nemtaghavi@yahoo.com

مقدمه

پدیده ازدواج و تشکیل خانواده از جمله رخداد‌های مهم و اساسی حیات بشری و مورد نیاز فوق‌العاده جامعه انسانی در طول تاریخ بوده است. از این رو علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه علمی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه، زیست‌شناسی و ... قرار گرفته است (مرادی و دیگری، ۱۳۹۱). بررسی سیر تحولات جوامع نشان داده است که ازدواج و خانواده به عنوان نهادهای اجتماعی، در جریان تغییرات جهانی، دچار دگرگونی شده و ساختی نوین پیدا کرده‌اند؛ به طوری که ما با چهار خصوصیت عمده در زمینه ازدواج در جامعه ایرانی مواجه بوده‌ایم: عمومیت ازدواج، پیش‌رسی ازدواج، ازدواج با خویشاوندان و ازدواج چندزنی (تقوی، ۱۳۷۴: ۱۶۳). اما با گذشت زمان و ایجاد تحول ساختاری در جامعه و ایجاد دگرگونی‌های اساسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوران مدرنیته، باز شاهد آن هستیم که این الگوها دستخوش تغییر شده است. یکی از مواردی که در این راستا دچار دگرگونی فراوانی شده، سن ازدواج می‌باشد که در تشکیل خانواده‌ها نیز حایز اهمیت بسیار است.

آنچه امروزه در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی جامعه ایرانی در آمده، افزایش سن ازدواج آنان است: جوانانی که ازدواج نمی‌کنند، جوانانی که فرصت ازدواج نمی‌یابند، جوانانی که به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی مجبور به خانه‌نشینی هستند و هم‌چنین جوانانی که دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند. این مسایل و عواملی دیگر، دست به دست هم داده و پدیده سن ازدواج را به صورت یک مسئله درآورده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان‌های دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۸۳). دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی‌های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده و به موازات آن، سطح توقعات و انتظارات زنان و مردان به مراتب بیشتر از گذشته شده است (بحیرانی و دیگری، ۱۳۹۰: ۲).

ازدواج عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای رهایی از تنهایی و سببی برای بقای نسل است. ازدواج و زمان انجام آن یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (Murayama, 2001, 307). بنابراین، خودداری از ازدواج و تأخیر آن، اغلب سبب عدم تعادل در جمعیت، باروری پایین، نابهنجاری در رفتار، سلب مسؤلیت، افزایش آسیب‌های اجتماعی، از دست دادن فرصت‌ها و عوارض جسمی و روانی خاصی در افراد می‌گردد.

در کشور ما آمارهای موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج با تحولات عمده‌ای روبرو شده است. براین اساس، سن ازدواج بین سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۴۵، با افزایش تدریجی همراه بوده و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است، به طوری که در سال ۱۳۸۱ بیش از یک چهارم دختران ۲۹-۲۵ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰۶). آمار ارائه شده در شهر تبریز نیز نشانگر افزایش این پدیده می‌باشد، میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۹۲ در میان مردان تبریز ۲۸/۲ سال و در بین زنان آن ۲۳/۳ سال است (اداره کل ثبت احوال استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۲: ۶).

انجام مطالعه و پژوهش در این خصوص از جمله مواردی است که هم برای افراد و هم برای جامعه ضروری و حایز اهمیت بسیار می‌باشد. لذا رسالت اصلی مقاله حاضر، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان و همچنین ارائه راهکارهای عملی جهت کاهش این مسئله می‌باشد.

پیشینه تحقیق

ازدواج و تأخیر آن امری اجتماعی است. گذار جوامع از نظام سنتی به نظام مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده است. این تغییرات به نوبه خود موجب دگرگونی در ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و ... خواهند شد (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳). شکل‌گیری و تغییر-پذیری ازدواج در نزد افراد، در فرایند تعامل خود با جامعه و تحت تأثیر سطوح مختلف کلان، میانی و خرد بوده است. با توجه به فراوانی تعداد متغیرهای مطرح شده در سه حوزه کلان (تجربه مدرنیته و تغییرات سریع)، میانی (عدم هماهنگی میان راه‌ها و اهداف، ضعیف شدن هنجارهای سنتی، دگرگونی در الگوی ازدواج، آشفتگی اقتصادی و اجتماعی جامعه و سختی ازدواج) و خرد (تحصیلات و اعتقاد به هزینه‌های فرصت) و همچنین عدم امکان سنجش تمامی آن‌ها در یک تحقیق عملی، تحقیق حاضر تنها عوامل خرد مسئله را مورد بررسی قرار خواهد داد.

بر اساس تئوری مرتن، هر گاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به طور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند، مثلاً هر دو کنش وسایل و اهداف سنتی را دنبال نمایند و یا هر دو عقلانی-حقوقی باشند، آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود؛ ولی چنانچه اهداف ارزشی و یا عاطفی باشند ولی وسیله وصول به آن‌ها عقلانی باشد، دیگر با یک جامعه متعادل و هماهنگ روبرو نخواهیم بود (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶). همین امر درباره بسیاری از موضوعات، از جمله پدیده تأخیر در سن ازدواج نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. درحالی‌که در شرایط کنونی جامعه ما که ازدواج به‌عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و یا حتی سنتی مطرح می‌شود ولی راه‌ها و امکانات رسیدن به آن کاملاً عقلانی است، این امر منجر به آشفتگی و بی‌سامانی در جامعه کنونی ایران گشته و آثار بسیار زیانباری را به دنبال خواهد داشت که افزایش سن ازدواج جوانان یکی از آن موارد می‌باشد.

تئوری دیگر، تئوری کارکردگرایی دورکیم می‌باشد. دورکیم، با مبنا قراردادن تغییرات اجتماعی، نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که تخصصی شدن و تمایزات فردی موجب ایجاد وضعیتی می‌شود که در حالت نابسامانی (سردرگمی افراد در تشخیص ارزش‌ها)، نیازهای افراد تشدید می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۷: ۷۶). در دنیای امروز، افزایش جمعیت و گسترش تقسیم کار اجتماعی و به وجود آمدن مشاغل متنوع، موجب ارتباطات اجتماعی زیاد، تراکم اخلاقی و ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون در جامعه شده است (روشه، ۱۳۶۶: ۴۳).

ازسوی دیگر، یکی از مباحث بسیار مهم درمقوله تغییرات اجتماعی، بحث مدرنیته است که به عنوان یک پدیده، دارای اثرات غیر قابل انکاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی انسان، از جمله خانواده و ازدواج می‌باشد. کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش سن ازدواج از این گونه موارد هستند. ویلیام گود براساس تئوری مدرنیزاسیون، دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی، زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند صنعتی شدن، شهرنشینی و ...) و به دنبال آن، دگرگونی‌های ایدئولوژیک رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۷). مدرنیزاسیون در سطح فردی و اجتماعی بر پدیده ازدواج تأثیر می‌گذارد. از بین مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان، بالا رفتن سطح انتظارات و شهرنشینی اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی، ازدواجشان با تأخیر صورت می‌گیرد (محمودیان، ۱۳۸۳).

گیدنز در این زمینه معتقد است که یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دو رویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۴۴). افزایش اعتیاد، فریبکاری، کلاهبرداری و تجربیات تلخ دیگران در این موارد که هر روزه در صفحه حوادث روزنامه‌ها منتشر می‌شود، در کنار توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت که آدم‌ها را با هم بیگانه کرده است، موجب بی‌اعتمادی و حداقل دیر اعتمادی افراد به یکدیگر می‌شود که نقطه عطف و حساس این مسئله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان می‌دهد. چه بسیار شکست‌های عاطفی و زناشویی که به واسطه اعتماد کاذب و خوشبینانه به دیگری رخ می‌دهد و تنها گوشه‌ای از آن از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود. بدیهی است هر قدر اعتماد میان افراد جامعه کمتر باشد، ریسک ازدواج بالاتر می‌رود و افراد، محتاط‌تر از پیش اقدام به این کار می‌کنند.

از دیگر تئوری‌هایی که در این تحقیق به آن پرداخته شده، تئوری گزینش معقولانه هکتر است. تمایز اساسی میان این تئوری با سایر تئوری‌های مطرح در خصوص ازدواج، این است که اکثر نظریه‌ها، به ازدواج بیشتر به عنوان یک عمل اخلاقی می‌نگرند، اما این تئوری پدیده ازدواج را از دیدگاه فایده‌گرایانه می‌نگرد. متفکرانی که بر اساس تئوری گزینش معقولانه به تبیین عمل جمعی می‌پردازند، بر این باورند که مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آن‌ها در آن رفتار بیشتر تأمین می‌شود. این تئوری معتقد است که افراد آگاه و هدف‌مند، در هر موقعیتی به دنبال بیشینه‌کردن سود خود هستند. در زمینه ازدواج، با بهره‌گیری از تئوری گزینش معقولانه، می‌توان ادعان داشت که افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد؛ یعنی بتوانند از طریق ازدواج، پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ترقی دهند و زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید، پدیده‌ای به نام تأخیر در سن ازدواج در جامعه پدیدار می‌شود. در رابطه با تحقیق حاضر، پیشینه‌های تجربی داخلی و خارجی مختلفی نیز وجود دارد:

- در تحقیق فرهنگد بیگی (۱۳۸۷) تحت عنوان «بررسی رفتارهای فردگرایانه و جمع‌گرایانه به تفکیک جنس در تأخیر ازدواج»، اشاره شده است که تأخیر در ازدواج با گرایش به رفتارهای فردگرایانه و جنسیت رابطه معنی‌داری دارد.

- اسکندری چراتی (۱۳۸۷) در تحقیق خویش با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج با تأکید بر استان گلستان»، به این نتیجه رسیده است که میان متغیرهای ادامه تحصیل، بالا بودن انتظارات، نداشتن شغل مناسب، موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری با تأخیر در سن ازدواج جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- نتایج تحقیق حسین‌زاده (۱۳۸۷) بیانگر رابطه معنی‌داری میان وضعیت شغلی، میزان تحصیلات، وضعیت مسکن جوانان و میزان درآمد خانواده با تأخیر در سن ازدواج جوانان می‌باشد.

- شهروزی (۱۳۸۶) نیز در تحقیق خویش بین تحصیلات عالی، استقلال طلبی، فشار اجتماعی، روش انتخاب همسر و تأخیر در سن ازدواج دختران به رابطه معنی‌داری دست یافته است.

- نتایج تحقیق مجدالدین و جمالی (۱۳۸۶) حاکی از آن است که میان مهاجرت پسران به شهرها و مشکلات فرهنگی (اختلافات محلی روستا، آداب و رسوم و توجه به مادیات) با بالا رفتن سن ازدواج دختران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- نتایج تحقیق توده فلاح و کاظمی‌پور (۱۳۸۵) بیانگر رابطه معنی‌داری میان میزان شهرنشینی، با-سواد، فعالیت اقتصادی زنان و اشتغال در بخش صنعت با تأخیر در سن ازدواج دارد.

- کاظمی‌پور (۱۳۸۳) در تحقیق خویش میان میزان تحصیلات بالا با افزایش سن ازدواج به رابطه معنی‌داری دست یافته است.

- نتایج تحقیق بحیرانی و حضرتی صومعه (۱۳۹۰) بیانگر رابطه معنی‌داری میان متغیرهای ادامه تحصیل، اشتغال دختران، شرایط اقتصادی، نگرش خانواده نسبت به ازدواج و بی‌اعتمادی اجتماعی با افزایش سن ازدواج است.

از میان تحقیقات خارجی، می‌توان به تحقیق مک دونالد هیوول (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج» اشاره کرد. در این تحقیق نشان داده شده است که میان میزان تحصیلات عالی زنان، اشتغال زنان و میزان آزادی در انتخاب همسر با تأخیر در سن ازدواج رابطه معنی‌داری وجود دارد. - سوزان فرگوسن (2000) در تحقیق خویش به این نتیجه رسیده است که چگونگی زناشویی والدین، موقعیت این زنان به عنوان دختر بزرگ خانواده و یا تنها دختر، اهداف تحصیلی و فقدان خواستگار مناسب از جمله عواملی است که بر عدم تمایل زنان به ازدواج تأثیر گذاشته است.

- هم‌چنین فرگوسن بر مبنای تحقیقات محققینی مانند گرسون^۱، گولدشر^۲ و ویت^۳ خاطر نشان می‌سازد که تحصیلات بالا و شغل مناسب در افزایش سن ازدواج و عدم ازدواج زنان تأثیر بسیار دارد. - در نهایت، تحقیقات صورت گرفته در کشورهای یوگسلاوی، ژاپن، هندوستان و آمریکا، به ترتیب، بیانگر این امر است که میان سن ازدواج با رشد و توسعه منطقه رابطه وجود دارد. هم‌چنین صنعتی شدن جوامع و به دنبال آن افزایش امکان آزادی فردی و دخالت کمتر والدین با بالا رفتن سن ازدواج جوانان رابطه دارد.

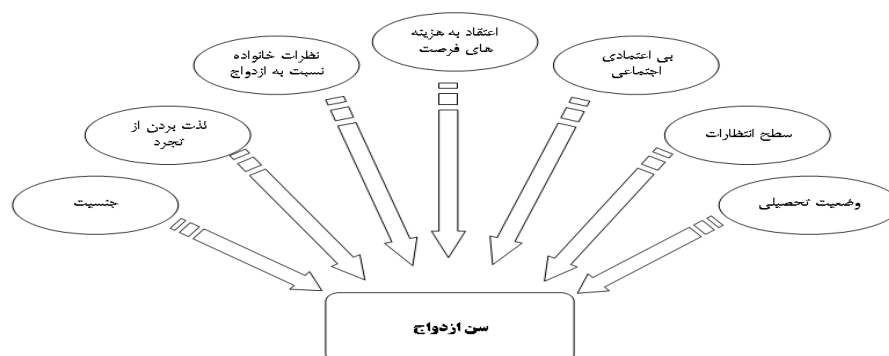
بنابراین برای اجرای تحقیق حاضر، محقق سعی کرده است با عنایت به نظریه‌های موجود و هم‌چنین با توجه به تحقیقات انجام گرفته و در امتداد و تکمیل آن‌ها، فرضیه‌های اصلی خود را ارائه دهد.

فرضیه‌ها

۱. میان میزان اعتقاد به هزینه‌های فرصت و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.
۲. میان میزان سطح انتظارات و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.
۳. میان بی‌اعتمادی اجتماعی و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.
۴. میان نظرات خانواده نسبت به ازدواج و سن ازدواج رابطه وجود دارد.
۵. میان میزان لذت بردن از مجرد و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.
۶. میان میزان وضعیت تحصیلی پاسخگو و سن ازدواج رابطه مستقیم وجود دارد.
۷. سن ازدواج در بین زنان و مردان متفاوت است.

1. Gerson
2. Gouldsher
3. Voight

مدل تحلیلی تحقیق



نمودار شماره (۱): نمودار مدل تحلیلی تحقیق

ابزار و روش تحقیق

تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۳ به روش پیمایشی در بین جوانان متأهل (۲۰-۴۰ ساله) شهر تبریز به انجام رسیده است. در این پژوهش از یک پرسشنامه ۴۱ سؤالی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. حجم نمونه‌ی به دست آمده ۲۸۰ نفر می باشد که ۱۵۸ نفر آن را مردان و ۱۲۲ نفر بقیه را زنان تشکیل می دهند. با توجه به ماهیت موضوع و جامعه آماری مورد مطالعه، برای نمونه‌گیری از روش چند مرحله‌ای و سهمی استفاده شده است.

متغیر سن ازدواج، به عنوان متغیر وابسته تحقیق و متغیرهای اعتقاد به هزینه‌های فرصت، سطح انتظارات، بی‌اعتمادی اجتماعی، نظرات خانواده نسبت به ازدواج، لذت بردن از مجردی، وضعیت تحصیلی پاسخگو و جنسیت نیز به عنوان متغیر مستقل تحقیق محسوب می‌شوند. پرسشنامه مورد استفاده، خود گزارشی بوده و به صورت مصاحبه تکمیل گردیده است.

سن ازدواج پاسخگویان که متغیر وابسته تحقیق می‌باشد، به وسیله یک گویه فاصله‌ای سنجیده شده و با افرادی که از تاریخ ازدواج‌شان بیشتر از یک سال نمی‌گذرد، مصاحبه انجام گرفته است.

امتیاز هر یک از پاسخگویان در متغیر اعتقاد به هزینه‌های فرصت، از ترکیب چهار گویه به دست آمده است. گویه‌ها در یک سطح فاصله‌ای و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. حداقل امتیاز (۱) نشان از هزینه فرصت بسیار پایین و حداکثر امتیاز (۵) نیز هزینه فرصت بسیار بالا را به نمایش می‌گذارد. برای کشف ابعاد مقیاس اعتقاد به هزینه‌های فرصت، از تحلیل عاملی با چرخش وریماکس^۱ استفاده شده است. حاصل تحلیل عاملی این متغیر، دو عامل هزینه اقتصادی و هزینه اجتماعی می‌باشد که پایین‌ترین بار عاملی

^۱ Varimax Rotation

گویه آن ۰/۸۸ است. شایان ذکر است که قابلیت اعتماد^۱ مقیاس اعتقاد به هزینه‌های فرصت نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمده است که میزان آن برای نمونه‌های این تحقیق $\alpha=0/61$ است. سطح انتظارات پاسخویان، بر مبنای امتیاز به دست آمده، از ترکیب هفت گویه حاصل شده است. گویه‌ها در یک سطح فاصله‌ای و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. حداقل امتیاز (۱) نشان از سطح انتظارات بسیار پایین و حداکثر امتیاز (۵) نیز سطح انتظارات بسیار بالا را به نمایش می‌گذارد. برای کشف ابعاد مقیاس سطح انتظارات از تحلیل عاملی با چرخش وریماکس استفاده شده است. حاصل تحلیل عاملی این متغیر، سه عامل انتظارات اجتماعی-اقتصادی، جسمانی و روانی می‌باشد که پایین‌ترین بار عاملی گویه آن ۰/۸۴ است. شایان ذکر است که قابلیت اعتماد مقیاس سطح انتظارات نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمده است که میزان آن برای نمونه‌های این تحقیق $\alpha=0/72$ است.

میزان بی‌اعتمادی اجتماعی پاسخگویان که یکی از متغیرهای مستقل می‌باشد، بر مبنای امتیازی است که آنان از ترکیب ۱۵ گویه به دست آورده‌اند. گویه‌ها در یک سطح فاصله‌ای و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. حداقل امتیاز (۱) نشان از بی‌اعتمادی اجتماعی و حداکثر امتیاز (۵) نیز اعتماد اجتماعی خیلی زیاد را به نمایش می‌گذارد. شاخص‌های متغیر بی‌اعتمادی اجتماعی که گویه‌ها بر اساس آن طراحی شده‌اند، عبارتند از: خانواده، دوستان و آشنایان، ادارات دولتی، روحانیون و مطبوعات. شایان ذکر است که قابلیت اعتماد مقیاس بی‌اعتمادی اجتماعی برای کل نمونه‌های این تحقیق $\alpha=0/56$ می‌باشد.

امتیاز هر یک از پاسخگویان در متغیر نظرات خانواده نسبت به ازدواج، از ترکیب چهار گویه به دست آمده است. گویه‌ها در یک سطح فاصله‌ای و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. حداقل امتیاز (۱) نشان از توقعات پایین خانواده‌ها در ازدواج و حداکثر امتیاز (۵) نیز توقعات بسیار بالای خانواده‌ها را در ازدواج به نمایش می‌گذارد. برای کشف ابعاد این مقیاس از تحلیل عاملی با چرخش وریماکس استفاده شده است. حاصل تحلیل عاملی متغیر حاضر، دو عامل منظور کردن والدین و اطرافیان در ازدواج می‌باشد که پایین‌ترین بار عاملی گویه آن ۰/۹۳ است. شایان ذکر است که قابلیت اعتماد مقیاس نظرات خانواده نسبت به ازدواج نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمده است که میزان آن برای نمونه‌های این تحقیق $\alpha=0/71$ است.

میزان لذت بردن از مجرد بر مبنای امتیازی است که از ترکیب شش گویه به دست می‌آید. گویه‌ها در یک سطح فاصله‌ای و با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. حداقل امتیاز (۱) نشان از لذت بردن بسیار پایین از مجرد و حداکثر امتیاز (۵) لذت بردن بسیار بالا از مجرد را به نمایش می‌گذارد. برای کشف ابعاد این مقیاس از تحلیل عاملی با چرخش وریماکس استفاده شده است. حاصل تحلیل عاملی، دو عامل لذت بردن از تفریح در کنار دوستان و لذت بردن از آزادی‌های فردی می‌باشد که پایین‌ترین بار عاملی گویه

^۱ Reliability

آن ۰/۸۷ است. شایان ذکر است که قابلیت اعتماد مقیاس لذت بردن از مجرد نیز با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمده است که میزان آن برای نمونه‌های این تحقیق $\alpha=0/78$ است. هم‌چنین سطح تحصیلات و جنسیت پاسخگویان، هر کدام به وسیله یک گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

نتایج یافته‌های توصیفی نشانگر آن است که از کل نمونه آماری (۲۸۰ نفر)، ۵۶/۴ درصد آن را مردان و ۴۳/۶ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند. از نظر تحصیلات، ۰/۴ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۶/۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۸ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۰ درصد دارای تحصیلات دبیرستانی، ۱۹/۶ درصد دیپلم، و ۵۱/۴ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. بیشترین فراوانی در این جا مربوط به تحصیلات کارشناسی است. هم‌چنین در این تحقیق از افراد متأهل در تمامی بازه‌های سنی ۲۰ الی ۴۰ ساله بهره گرفته شده است که اغلب آنان (۵۲/۱ درصد) در بازه سنی ۲۵ الی ۳۲ ساله قرار دارند. یافته‌های استنباطی تحقیق در جداول شماره (۱) و (۲) آورده شده است. نتایج این جداول جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق به کار گرفته می‌شود.

جدول (۱): همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته (سن ازدواج)

ردیف	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری	نوع رابطه
۱	اعتقاد به هزینه‌های فرصت	۰/۰۴	۰/۴۹۳	عدم وجود رابطه
۲	سطح انتظارات	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰	مستقیم
۳	بی‌اعتمادی اجتماعی	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰	مستقیم
۴	نظر خانواده نسبت به ازدواج جوانان	۰/۴۴۲	۰/۰۰۰	مستقیم
۵	لذت بردن از مجرد	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	مستقیم
۶	تحصیلات	۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	مستقیم

همان‌گونه که در جدول شماره (۱) نشان داده شده، بین متغیر مستقل اعتقاد به هزینه‌های فرصت و متغیر وابسته سن ازدواج، هیچ نوع رابطه‌ای وجود ندارد. در نتیجه فرضیه اول مورد تأیید قرار نگرفته و رد می‌شود. در مورد رابطه میان سطح انتظارات پاسخگویان و سن ازدواج آنان بایستی گفت که موضوع به گونه‌ای دیگر می‌باشد، به طوری که میان این دو متغیر رابطه مستقیمی وجود دارد. این به آن معنا است که با افزایش سطح انتظارات افراد، سن ازدواج آنان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول بالا هم‌چنین از رابطه مستقیم میان متغیرهای بی‌اعتمادی اجتماعی و سن ازدواج خبر می‌دهد. یعنی با افزایش بی‌اعتمادی در بین افراد، سن ازدواج آنان افزایش می‌یابد. این نتیجه سوم تحقیق

را مورد تأیید قرار می‌دهد. در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود که میان متغیرهای نظرات خانواده نسبت به ازدواج و سن ازدواج رابطه وجود دارد و این رابطه از نوع مستقیم می‌باشد. پس در صورتی که خانواده‌ها، جوانان را حین ازدواج همراهی نکنند موجب افزایش سن ازدواج آنان خواهد بود. با این یافته، فرضیه چهارم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم تحقیق که از رابطه مستقیم بین لذت بردن از مجرد و سن ازدواج سخن می‌گوید، با استفاده از جدول شماره (۱) مورد تأیید قرار می‌گیرد. هم‌چنین این جدول نشانگر آن است که میان متغیرهای تحصیلات و سن ازدواج نیز رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که افزایش تحصیلات افراد به نوعی افزایش در سن ازدواج آنان را نیز به دنبال دارد. بنابراین، با توجه به یافته تحقیق می‌توان گفت که فرضیه ششم نیز تأیید می‌شود.

جدول شماره (۲) نشانگر آن است که سن ازدواج در بین مردان و زنان از لحاظ آماری متفاوت است. به عبارتی زنان زودتر از مردان ازدواج می‌کنند، به طوری که میانگین سن ازدواج زنان ۲۸/۷۱ و میانگین سن ازدواج مردان ۳۰/۱۲ سال است. در نتیجه فرضیه هفتم تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول (۲): آزمون تفاوت میانگین سن ازدواج بر حسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	یکنواختی واریانس‌ها	سطح معنی‌داری	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سن ازدواج	زن	۱۲۲	۲۸/۷۱	۶/۸۷	۰/۰۰۹	۳/۲۹	۲۷۵/۹۵	۰/۰۲۳
	مرد	۱۵۸	۳۰/۱۲					

در تحقیق حاضر به منظور مشخص نمودن سهم و تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته، از رگرسیون چند متغیره به شیوه توأم^۱ بهره گرفته شده است. متغیر وابسته، سن ازدواج و متغیرهای مستقل عبارتند از: سطح انتظارات، بی‌اعتمادی اجتماعی، نظرات خانواده نسبت به ازدواج، لذت بردن از مجرد و وضعیت تحصیلی پاسخگو. با اجرای این روش، جداولی به شرح زیر ظاهر می‌گردند.

جدول (۳): خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد	دوربین واتسون
۱	۰/۷۲۱	۰/۵۲۰	۰/۵۱۱	۳/۶۶	۱/۲۱۵

جدول (۴): آنالیز واریانس مدل

مدل ۱	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۳۹۸۸/۳۴۹	۵	۷۹۷/۶۷۰	۵۹/۲۶۹	۰/۰۰۰
	۳۶۸۷/۶۳۷	۲۷۴	۱۳/۴۵۹		

^۱ Enter

جدول (۵): ضرایب مدل به دست آمده

مدل ۱	ضریب رگرسیون جزئی (B)	خطای استاندارد (SE)	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)	آماره T	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۲۳/۹۷۳	۲/۵۶۴	-	۹/۳۵	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۲۶۸	۰/۰۵۳	۰/۲۲۸	۵/۰۹	۰/۰۰۰
بی‌اعتمادی اجتماعی	-۳/۴۰۰	۰/۵۳۴	-۰/۲۸۷	-۶/۳۶	۰/۰۰۰
سطح انتظارات	۱/۱۷۸	۰/۳۷۱	۰/۱۳۸	۳/۱۷	۰/۰۰۲
نظرات خانواده نسبت به ازدواج	۱/۱۱۰	۰/۲۶۹	۰/۱۹۰	۴/۱۲۸	۰/۰۰۰
لذت بردن از مجرد	۱/۸۷۸	۰/۲۵۰	۰/۳۱۹	۷/۱۰۶	۰/۰۰۰

ضریب تعیین در جدول شماره (۳) $R^2=۰/۵۲۰$ می‌باشد که با توجه به اشکال وارده بر این ضریب که رقم درجه آزادی را در نظر نمی‌گیرد، بنابراین برای رفع این مشکل از ضریب تعیین تعدیل شده $R^2Ad=۰/۵۱۱$ استفاده می‌گردد. R^2Ad به دست آمده نشان می‌دهد که ۵۱/۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این پنج متغیر مستقل تبیین می‌گردند و بقیه ۴۸/۹ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد.

جدول شماره (۴) حاکی از معنی دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها می‌باشد. سطح معنی‌داری نیز در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

نتایج اصلی رگرسیون در جدول شماره (۵) آمده است. مقدار سطح معنی‌داری (sig) نشان می‌دهد که اثرات پنج متغیر تحصیلات، بی‌اعتمادی اجتماعی، سطح انتظارات، نظرات خانواده نسبت به ازدواج و لذت بردن از مجرد معنی‌دار شده است.

در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی معادله رگرسیون، با توجه به مقادیر بتا (Beta)، می‌توان قضاوت کرد که متغیر لذت بردن از دوران مجرد به مراتب سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیش‌بینی متغیر وابسته (سن ازدواج) دارد زیرا یک واحد و تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر سن ازدواج به اندازه ۰/۳۱۹ تغییر کند. پس از متغیر لذت بردن از دوران مجرد، متغیر بی‌اعتمادی اجتماعی است که از پیش‌بینی بالایی برخوردار می‌باشد. یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث ۰/۲۸۷ تغییر در انحراف معیار متغیر سن ازدواج می‌شود. متغیرهای تحصیلات، نظرات خانواده نسبت به ازدواج و سطح انتظارات نیز به ترتیب از لحاظ میزان پیشگویی متغیر وابسته در رتبه‌های سوم، چهارم و پنجم قرار می‌گیرند.

حال با توجه به مقادیر ضریب رگرسیون جزئی (B) جدول شماره (۵)، معادله رگرسیون را می‌توان به شرح زیر نوشت:

$$\text{(تحصیلات)} + ۰/۲۶۸ + \text{(بی اعتمادی اجتماعی)} - ۳/۴۰۰ - \text{(لذت بردن از مجرد)} + ۱/۷۷۸ + ۲۳/۹۷۳ = \text{سن ازدواج}$$

$$\text{(سطح انتظارات)} + ۱/۱۷۷ + \text{(نظرات خانواده نسبت به ازدواج)} + ۱/۱۱۰$$

بحث و نتیجه‌گیری

با عنایت به هدف موردنظر پژوهش که به دنبال شناسایی عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج جوانان شهرستان تبریز می‌باشد، در ادبیات تحقیق به تئوری‌های مطرح و نتایج مطالعات در این زمینه پرداخته شده است که در ادامه با توجه به یافته‌های تحقیق، بررسی و تحلیل می‌شود.

گیدنز معتقد است، یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، فقدان اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته که نقطه عطف و حساس این مسأله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر مؤید این نظریه می‌باشد و نتایج آن هماهنگ با تحقیقات قبلی انجام شده در این زمینه از جمله تحقیق بحیرانی و حضرتی صومعه می‌باشد.

از دیگر تئوری‌ها که در این تحقیق به آن پرداخته شده، تئوری گزینش معقولانه هکتر است. از این دیدگاه افراد زمانی اقدام به ازدواج خواهند کرد که سودی در آن نهفته باشد یعنی بتوانند از طریق ازدواج پایگاه و منزلت اجتماعی خود را حفظ و یا ترقی دهند و زمانی که چنین موقعیتی پیش نیاید پدیده‌ای به نام بالا رفتن سن ازدواج در جامعه پدیدار می‌شود. نتایج به دست آمده از این تحقیق این امر را تایید نمی‌کند.

یافته‌ها حکایت از آن دارند جوانانی که سطح انتظاراتشان بالا است، سن ازدواجشان افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از این قسمت با نتیجه تحقیق اسکندری چراتی همخوان بوده و تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود را نیز تأیید می‌کند. براساس این تئوری، زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی-هایی مانند صنعتی شدن، شهرنشینی و ...) و به دنبال آن دگرگونی‌های ایدئولوژیک رخ دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز اجباراً باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند. از بین مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیزاسیون، می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان، بالا رفتن سطح انتظارات و شهرنشینی اشاره کرد.

ازسوی دیگر، نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای جنسیت و میزان تحصیلات با متغیربالا رفتن سن ازدواج رابطه وجود دارد. این نتیجه با برخی از نتایج تحقیقات دیگر مانند تحقیق فرهمند بیگی، حسین‌زاده، شهروزی و کاظمی‌پور همخوانی دارد.

براساس نتایج تحقیق، افزایش سخت‌گیری‌ها و انتظارات بالای خانواده‌ها، موجب بالارفتن سن ازدواج جوانان می‌شود. این نتیجه با نتیجه تحقیق بحیرانی و صومعه همخوانی ندارد؛ شاید این امر دلایل روش-شناختی داشته باشد. با توجه به مطالب فوق، مشاهده می‌شود که بالا رفتن سن ازدواج پدیده‌ای پیچیده و با ابعاد بسیار گوناگون است که از عوامل متعدد در سطوح مختلف متأثر می‌شود.

پیشنادهای تحقیق

اکنون، بر اساس یافته‌های تحقیق که تنها به عوامل اجتماعی پرداخته است، با تکیه بر پیشینه نظری، به ذکر پیشنهادهایی جهت کاهش سن ازدواج در سطح این شهرستان اقدام می‌شود. آنچه مسلم است همه سازمان‌ها، ادارات، ارگان‌ها، سیاست‌گذاران و متولیان مرتبط با این امر باید همت گمارند تا در جهت کاهش سن ازدواج جوانان بهترین برنامه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را در رؤس و اولویت‌های خویش قرار دهند. اما اقدامات و برنامه‌هایی که می‌توانند در بسترسازی و فراهم آوردن کاهش سن ازدواج نقش داشته باشند، به شرح زیر آورده می‌شود:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی درباره ازدواج و تحلیل و بررسی پیامدهای به تأخیر انداختن آن.
- ایجاد مراکز مشاوره اختصاصی برای جوانانی که قصد ازدواج دارند.
- فرهنگ‌سازی ازدواج ساده و جدی منطبق با معیارهای اسلامی که یکی از راهکارهای اصلی حل مشکلات ازدواج جوانان است و باید از سوی رسانه‌ها دنبال شود.
- با توجه به این که تغییر نگرش‌ها و شناخت‌های افراد کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند، و هر تغییری بدون داشتن زیر ساخت‌های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت، بنابراین وظیفه مهم متصدیان امور فرهنگی مانند حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و امثال آن، این است که در این زمینه، برنامه‌ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که در این زمینه می‌توان انجام داد، عبارتند از:
 ۱. ارزش‌مند تلقی کردن تأهل، ۲. درجه‌بندی ملاک‌های انتخاب همسر: ترویج این عقیده که مهم‌ترین ملاک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است و ملاک‌های دیگر از اهمیت کمتری برخوردارند. این در حالی است که در جامعه کنونی ما، ملاک‌هایی هم‌چون مدرک، ثروت، پست و مقام، بیشترین اهمیت را پیدا کرده‌اند. به همین دلیل، تمام تلاش جوانان این شده است که از هر راهی، امتیازات مزبور را به دست آورند و از این طریق به مقبولیت اجتماعی برسند. اما به دلیل این که تحصیل این ملاک‌ها، زمان زیادی را می‌طلبد، به ناگزیر، از ازدواج در ابتدای جوانی محروم می‌شوند. ۳. گسترش فرهنگ حجاب: اگر رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط‌های مضر و فسادانگیز بین پسر و دختر پرهیز شود، زمینه برای ارضای نامشروع نیازهای جنسی بسیار کم می‌شود و در نتیجه تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می‌گردد. ۴. گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی: اگر در جامعه ساده زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش شود و یا دست کم ضد ارزش نباشد، سن ازدواج کاهش می‌یابد. اما اگر داشتن خانه و اتومبیل و امکانات مادی ارزش شود و چشم هم‌چشمی‌های زیان‌آور گسترش یابد، در نتیجه جوان از داشتن خانواده در سن جوانی محروم می‌شود.
- ارائه تسهیلات لازم از طرف نهادهای مردمی و دولتی جهت تشویق جوانان به این امر (از جمله پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه، واگذاری سالن‌های اجتماع ادارات مختلف جهت برگزاری جشن‌ها، واگذاری مسکن موقت با اجاره پایین برای جوانان تازه ازدواج کرده و ...).

- تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین؛ اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده‌ها را به این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج می‌شود.

پیشنادهای پژوهشی

- با توجه به موضوع تحقیق، به نظر می‌رسد در صورت اجرای آن، در مقیاس وسیع و در سطح ملی بتوانیم به نتایج خیلی خوبی در ارتباط با میزان بالا رفتن سن ازدواج در مناطق مختلف کشور دست یابیم.
- پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات جداگانه‌ای، عوامل اقتصادی و فرهنگی افراد را با بالا رفتن سن ازدواج آن‌ها مورد بررسی قرار دهند.
- پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های آتی نمونه‌های مورد مطالعه را از شهرها و روستاهای دیگر انتخاب کنند.

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی خانواده ایرانی**. تهران: انتشارات سمت.
- اداره کل ثبت احوال استان آذربایجان شرقی. (۱۳۹۲). **گزارش تحلیلی رویداد ازدواج و طلاق**. شماره چهار، قابل رویت در وب سایت: www.eanocr.ir.
- اسکندری چراتی، آ. (۱۳۸۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان. **فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستیان**. سال چهارم، شماره سوم.
- اعزاز، ش. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۷). **تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی**. ترجمه: م. وتر. تهران: کویر.
- بحیرانی، ا؛ و دیگری. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان دختر. **مطالعات جامعه‌شناختی ایران**. شماره ۴.
- تقوی، ن. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- توده فلاح، م؛ و دیگری. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر نوسازی بر سن ازدواج با تأکید بر شاخص‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب. **مجله پژوهش اجتماعی**. شماره ۸.
- تنهایی، ا. (۱۳۸۲). **جامعه‌شناسی نظری**. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- حسین‌زاده، ر. (۱۳۸۷). **بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در تأخیر ازدواج جوانان شهرستان گرمسار**. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- روشه، گ. (۱۳۶۶). **تغییرات اجتماعی**. ترجمه: م. وثوقی. تهران: نشر نی.
- شهریزی، ل. (۱۳۸۶). **بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران**. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فرهمنند بیگی، س. (۱۳۸۷). **بررسی رفتارهای فردگرایانه و جمع‌گرایانه به تفکیک جنس در تأخیر در ازدواج**. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- کاظمی پور، ش. (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن. **پژوهش زنان**. شماره ۳. گیدنز، آ. (۱۳۸۱). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- مجدالدین، ا؛ و دیگری. (۱۳۸۶). بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران. **فصلنامه تخصصی جامعه-شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان**. سال دوم، شماره چهارم.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش و بررسی عوامل پشتیبان. **مجله علوم اجتماعی**. شماره ۲۴. مرادی، گ؛ و دیگری. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط افزایش سن ازدواج جوانان، (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**. سال سوم، شماره هفتم.
- مهدوی، م. (۱۳۷۷). **بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج**. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- هیول، م. (۱۳۸۸). بررسی علل افزایش سن ازدواج. **ویژه نامه علمی استانداری مازندران**.
- Ferguson, S. (2000). Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese and Japanese American Women. **Gender and Society**. V. 14, No. 1.
- Murayama. S. (2001). Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of pre Industrial Germany and Japan. **The History of the Family**. Vol. 6, No. 2.